



فصلنامه علمی تخصصی حقوق وکیل دعاوی

وابسته به مرکز وکلای قوه قضاییه خراسان رضوی

دوره ۲، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵، صص: ۱-۲۶

**بازخوانی رژیم حقوقی دارایی‌های مالکیت
صنعتی در فرآیند ورشکستگی شرکت‌های
تجاری؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران،
فرانسه، آلمان و ایالات متحده آمریکا**

نویسنده:

سجاد حاجبی خانیکی، هما خرمی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۳ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

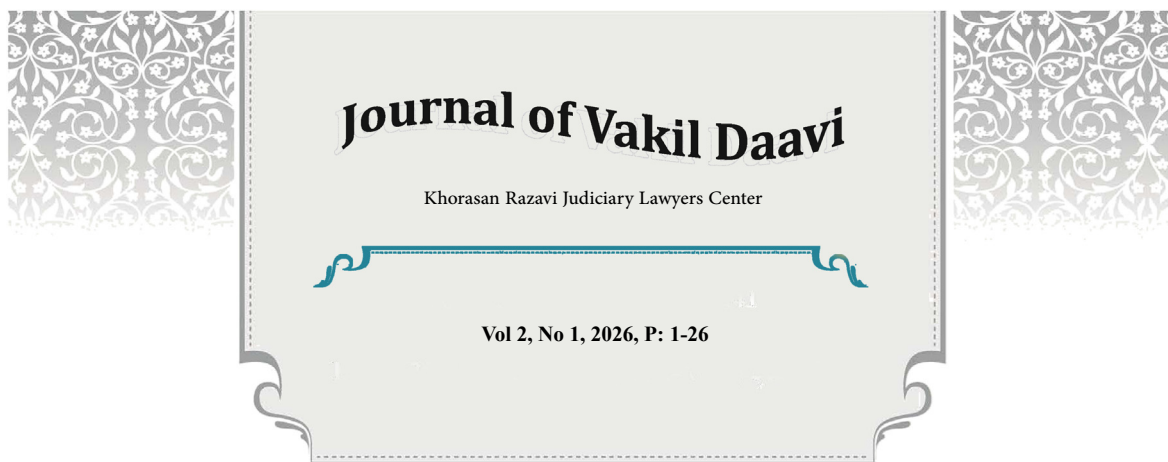
URL: <https://www.vakildaavirazavi.ir/>

DOI: <https://doi.org/10.22034/vd.2026.2093998.1018>

COPYRIGHTS

© 2026 by the authors. Licensee Khorasan Razavi Center of Attorneys – Judiciary. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)





Rereading the Legal Regime of Industrial Property Assets in the Bankruptcy Process of Commercial Companies; A Comparative Study in the Laws of Iran, France, Germany and the United States of America

Sajjad Hajebikhaniki^{1*}, Homa Khorrami²

1. PhD Researcher in Private Law and Professor, Mashhad Branch, Azad Islamic University, Mashhad, Iran

Email: sajjad.hajebikhaniki@iau.ac.ir

2. MA in Document and Real Estate Registration Law and Professor, Mashhad Branch, Azad Islamic University, Mashhad, Iran

Email: homakhorrami1622@gmail.com

Abstract

The transformation of the global economy and the transition from an economy based on material assets to a knowledge-based economy have made industrial property rights one of the most important assets of commercial companies. Today, a significant portion of the economic value of companies derives from patents, trademarks, industrial designs, registered technologies, and other intangible assets; however, traditional bankruptcy regulations in Iranian law are largely based on tangible assets and do not provide comprehensive and clear regulations on the seizure, administration, and liquidation of industrial property rights. The enactment of the Industrial Property Protection Law of 1403 (1924) has paved the way for a transformation in the concept of property by recognizing the transferability, forced transfer, validation, and economic exploitation of these rights, but there are still ambiguities in its coordination with the Commercial Code and the Bankruptcy Liquidation Administration Law, especially regarding the powers of the liquidator, the valuation of intellectual property, the status of exploitation contracts, and the protection of third-party rights. The present study, using a descriptive-analytical method and using a comparative study, has examined the provisions of Iranian law in light of the legal systems of France, Germany and the United States of America. The findings show that industrial property rights, due to their financial nature, transferability and economic value, are considered part of the assets of a bankrupt company, and the principles of commercial law and the law on the protection of industrial property confirm the possibility of their seizure and transfer. Also, leading legal systems include these rights in the bankruptcy assets and consider the liquidator to be obliged to preserve and economically exploit them. Accordingly, reforming bankruptcy regulations by explicitly identifying intangible assets, expanding the powers of the liquidator, foreseeing a specialized valuation mechanism and determining the obligations of technology transfer contracts is a fundamental necessity for adapting Iranian law to the innovation economy.

Keywords: Bankruptcy, Industrial Property Rights, Industrial Property Protection Law 1403, Commercial Companies, Liquidator, Invention, Trademark, Industrial Design, Intangible Assets, Technology Transfer

فصلنامه علمی تخصصی حقوق وکیل و دعاوی

دوره دو، شماره یکم، بهار ۱۴۰۵، صص: ۲۶-۱

بازخوانی رژیم حقوقی دارایی‌های مالکیت صنعتی در فرآیند ورشکستگی شرکت‌های تجاری؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، آلمان و ایالات متحده آمریکا

سجاد حاجبی خانیکی^۱، هما خرمی^۲

۱. پژوهشگر دکتری حقوق خصوصی و استاد، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

Email: sajjad.hajebikhaniki@iau.ac.ir

۲. کارشناس ارشد حقوق ثبت اسناد و املاک و استاد، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

Email: homakhorami1622@gmail.com

چکیده

تحول اقتصاد جهانی و گذار از اقتصاد متکی بر دارایی‌های مادی به اقتصاد دانش بنیان، موجب شده است حقوق مالکیت صنعتی به یکی از مهم‌ترین دارایی‌های شرکت‌های تجاری تبدیل شود. امروزه بخش قابل توجهی از ارزش اقتصادی شرکت‌ها از اختراعات، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی، فناوری‌های ثبت شده و سایر دارایی‌های نامشهود ناشی می‌شود؛ با این حال، مقررات سنتی ورشکستگی در حقوق ایران عمدتاً بر اموال مادی استوار بوده و درباره توقیف، اداره و تصفیه حقوق مالکیت صنعتی مقررات جامع و روشنی ارائه نکرده است. تصویب قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ با شناسایی قابلیت انتقال، انتقال قهری، توثیق و بهره‌برداری اقتصادی از این حقوق، زمینه تحول در مفهوم دارایی را فراهم ساخته، اما همچنان ابهاماتی در هماهنگی آن با قانون تجارت و قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، به‌ویژه درباره اختیارات مدیر تصفیه، ارزش‌گذاری دارایی‌های فکری، وضعیت قراردادهای بهره‌برداری و حمایت از حقوق اشخاص ثالث باقی است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از مطالعه تطبیقی، مقررات حقوق ایران را در پرتو نظام‌های حقوقی فرانسه، آلمان و ایالات متحده آمریکا بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که حقوق مالکیت صنعتی، به دلیل ماهیت مالی، قابلیت انتقال و ارزش اقتصادی، بخشی از دارایی شرکت ورشکسته محسوب شده و اصول حقوق تجارت و قانون حمایت از مالکیت صنعتی، امکان توقیف و انتقال آنها را تأیید می‌کنند. همچنین نظام‌های حقوقی پیشرو، این حقوق را در توده دارایی ورشکستگی وارد کرده و مدیر تصفیه را مکلف به حفظ و بهره‌برداری اقتصادی از آنها می‌دانند. بر این اساس، اصلاح مقررات ورشکستگی از طریق شناسایی صریح دارایی‌های نامشهود، توسعه اختیارات مدیر تصفیه، پیش‌بینی سازوکار تخصصی ارزش‌گذاری و تعیین تکلیف قراردادهای انتقال فناوری، ضرورتی اساسی برای انطباق حقوق ایران با اقتصاد نوآوری است.

واژگان کلیدی: ورشکستگی، حقوق مالکیت صنعتی، قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، شرکت‌های تجاری، مدیر تصفیه، اختراع، علامت تجاری، طرح صنعتی، دارایی‌های نامشهود، انتقال فناوری.

مقدمه

تحولات بنیادین اقتصاد جهانی طی سه دهه اخیر، مفهوم سنتی دارایی را با دگرگونی عمیقی مواجه ساخته است. در الگوی کلاسیک حقوق تجارت، ارزش اقتصادی شرکت‌های تجاری عمدتاً در قالب اموال مادی، تجهیزات، ماشین‌آلات، موجودی کالا و سرمایه نقدی تبلور می‌یافت؛ اما شکل‌گیری اقتصاد دانش بنیان، توسعه فناوری‌های نوین، گسترش صنایع خلاق و افزایش نقش سرمایه‌های فکری، سبب شده است که دارایی‌های نامشهود به مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده سرمایه بنگاه‌های اقتصادی تبدیل شوند. امروزه در بسیاری از شرکت‌های فعال در حوزه فناوری، داروسازی، زیست‌فناوری، صنایع نرم‌افزاری، هوش مصنوعی و اقتصاد دیجیتال، بخش عمده ارزش شرکت نه در اموال مادی، بلکه در حقوق مالکیت صنعتی، فناوری‌های ثبت شده، علائم تجاری، دانش فنی، اسرار تجاری و سایر دارایی‌های فکری نهفته است.

این تحول، آثار گسترده‌ای بر شاخه‌های مختلف حقوق خصوصی، به ویژه حقوق تجارت و حقوق ورشکستگی برجای نهاده است. اگر در گذشته هدف اصلی فرآیند ورشکستگی، جمع‌آوری و فروش اموال عینی برای استیفای حقوق بستانکاران بود، امروزه بخش مهمی از دارایی شرکت‌های ورشکسته را حقوقی تشکیل می‌دهد که فاقد ماهیت مادی هستند، اما ارزش اقتصادی آنها گاه چندین برابر مجموع اموال فیزیکی شرکت است. بنابراین، نظام‌های حقوقی ناگزیر شده‌اند مفهوم دارایی، حدود اختیارات مدیران تصفیه، شیوه ارزش‌گذاری اموال و حتی فلسفه ورشکستگی را متناسب با این واقعیت اقتصادی بازتعریف کنند.

در نظام حقوقی ایران نیز تصویب قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، بیانگر تغییر نگرش قانون‌گذار نسبت به جایگاه اقتصادی حقوق مالکیت صنعتی است. این قانون، با شناسایی قابلیت انتقال، توثیق، انتقال قهری و بهره‌برداری اقتصادی از حقوق ناشی از اختراع، علامت تجاری، طرح صنعتی و سایر حقوق مالکیت صنعتی، گام مهمی در جهت پذیرش این حقوق به عنوان دارایی‌های مالی برداشته است. با این وجود، مقررات قانون تجارت و قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، همچنان بر مبنای الگوی سنتی اموال تدوین شده و نسبت به وضعیت حقوق مالکیت صنعتی در فرآیند ورشکستگی، سکوت اختیار کرده‌اند.

فصل اول

گفتار اول توقیف علامت تجاری و جایگاه آن در فرآیند ورشکستگی

علامت تجاری را باید مهم‌ترین دارایی اعتباری شرکت‌های تجاری دانست. برخلاف اختراع که ارزش اقتصادی آن عمدتاً از نوآوری فنی ناشی می‌شود، ارزش علامت تجاری حاصل سال‌ها سرمایه‌گذاری، تبلیغات، حفظ کیفیت کالا و خدمات، جلب اعتماد مصرف‌کنندگان و تثبیت جایگاه شرکت در بازار است. از این رو، در بسیاری از شرکت‌های

بزرگ، ارزش واقعی بنگاه نه در تجهیزات و تأسیسات، بلکه در اعتبار و شهرت علامت تجاری آن متجلی می‌شود. تحولات اقتصاد جهانی نیز این واقعیت را تأیید می‌کند. ارزش‌گذاری شرکت‌های فعال در حوزه صنایع غذایی، پوشاک، خودروسازی، داروسازی، فناوری اطلاعات و خدمات دیجیتال نشان می‌دهد که بخش عمده ارزش بازار این شرکت‌ها ناشی از برند و علامت تجاری آنهاست. بدین ترتیب، نادیده گرفتن علامت تجاری در فرآیند ورشکستگی، در حقیقت به معنای نادیده گرفتن مهم‌ترین بخش دارایی اقتصادی شرکت خواهد بود.

ورود علامت تجاری به دارایی ورشکسته

صدور حکم ورشکستگی موجب انتقال اختیار اداره کلیه حقوق مالی شرکت به مدیر تصفیه می‌شود. علامت تجاری نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر دارایی نامشهود، از این قاعده مستثنا نیست. البته باید میان «مالکیت علامت» و «اختیار اداره علامت» تفکیک قائل شد. شخصیت حقوقی شرکت تا زمان انحلال نهایی باقی است و مالکیت حقوق همچنان به شرکت تعلق دارد، اما اختیار اعمال حقوق ناشی از علامت، از جمله تمدید ثبت، دفاع در برابر دعاوی نقض، اقامه دعوا علیه متجاوزان، انعقاد قراردادهای بهره‌برداری و انتقال علامت، در حدود قانون به مدیر تصفیه منتقل می‌شود. این تفکیک از حیث نظری اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا مانع از آن می‌شود که آثار ورشکستگی با آثار انحلال یا زوال شخصیت حقوقی خلط گردد.

گفتار دوم انتقال علامت تجاری در فرآیند تصفیه

اصل بر آن است که علامت تجاری، همانند سایر حقوق مالی، قابل انتقال است. با این حال، انتقال آن در فرآیند ورشکستگی باید با رعایت ضوابط خاص حقوق مالکیت صنعتی و اصول حاکم بر حمایت از مصرف‌کننده انجام گیرد.

نخست آنکه انتقال باید مطابق تشریفات قانونی در مرجع ثبت مالکیت صنعتی به ثبت برسد تا در برابر اشخاص ثالث قابل استناد باشد.

دوم آنکه انتقال نباید موجب فریب مصرف‌کنندگان یا اخلاف در نظم عمومی اقتصادی گردد. برای نمونه، اگر علامت مشهور یک شرکت دارویی به شخصی منتقل شود که فاقد توان فنی یا مجوزهای لازم برای تولید همان محصولات است، استمرار استفاده از علامت می‌تواند اعتماد عمومی را خدشه‌دار سازد.

از این منظر، مدیر تصفیه در انتخاب خریدار صرفاً با یک معامله خصوصی مواجه نیست، بلکه باید آثار اجتماعی و اقتصادی انتقال را نیز مورد ارزیابی قرار دهد. این وظیفه، هرچند در قوانین ایران به صراحت بیان نشده است، اما از مجموعه قواعد حاکم بر حسن نیت، منع تقلب نسبت به قانون،

توقیف علامت تجاری و حقوق بستانکاران دارای وثیقه

در فرضی که علامت تجاری پیش از توقف، موضوع قرارداد وثیقه یا تأمین تعهدات قرار گرفته باشد، مدیر تصفیه مکلف به رعایت حقوق مقدم اشخاص ذی حق خواهد بود. پذیرش قابلیت توثیق علامت تجاری در قانون حمایت از مالکیت صنعتی، بدین معناست که این حق می‌تواند موضوع حقوق عینی تبعی نیز قرار گیرد. در نتیجه، انتقال علامت در فرآیند تصفیه نباید موجب زوال حقوق اشخاصی شود که پیش از صدور حکم ورشکستگی، مطابق قانون نسبت به آن حق تقدم تحصیل کرده‌اند. این تحلیل، افزون بر انطباق با قواعد عمومی حقوق مدنی، موجب افزایش اعتماد فعالان اقتصادی به استفاده از دارایی‌های فکری به عنوان ابزار تأمین مالی خواهد شد.

گفتار سوم توقیف طرح صنعتی، نام تجاری و سایر حقوق مالکیت صنعتی در فرآیند ورشکستگی

پس از بررسی جایگاه اختراع و علامت تجاری، تحلیل وضعیت سایر مصادیق حقوق مالکیت صنعتی نیز ضروری است. اگرچه از حیث ارزش اقتصادی، همه این حقوق در یک سطح قرار ندارند، لیکن هر یک می‌توانند بسته به نوع فعالیت شرکت، بخش مهمی از سرمایه اقتصادی آن را تشکیل دهند. شرکت‌های فعال در صنایع طراحی، مد، لوازم خانگی، خودروسازی، تجهیزات پزشکی و صنایع خلاق، بخش قابل توجهی از مزیت رقابتی خود را از طریق طرح‌های صنعتی، نام تجاری و سایر حقوق مشابه به دست می‌آورند. از این رو، فرآیند ورشکستگی نمی‌تواند نسبت به این دسته از دارایی‌های نامشهود بی‌تفاوت باشد.

توقیف طرح صنعتی

طرح صنعتی، جلوه ظاهری یک محصول است که به موجب قانون، در صورت احراز شرایط مقرر، از حمایت قانونی برخوردار می‌شود. هرچند موضوع حمایت، جنبه فنی اختراع نیست، بلکه ویژگی‌های بصری و زیبایی‌شناختی محصول است، اما آثار اقتصادی آن گاه از خود اختراع نیز فراتر می‌رود؛ زیرا در بسیاری از بازارهای رقابتی، تصمیم مصرف‌کننده بیش از آنکه بر مبنای فناوری باشد، بر پایه طراحی ظاهری کالا شکل می‌گیرد.

قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، انتقال و بهره‌برداری اقتصادی از طرح صنعتی را به رسمیت شناخته است. همین امر، وصف مالی این حق را تثبیت می‌کند و به تبع آن، قابلیت توقیف و ورود به دارایی ورشکسته نیز قابل استنباط خواهد بود.

در فرآیند تصفیه، مدیر تصفیه باید علاوه بر حفظ اعتبار ثبت طرح، نسبت به استمرار حمایت قانونی آن نیز اهتمام ورزد؛ زیرا انقضای مهلت‌های قانونی یا عدم انجام تشریفات مقرر، ممکن است موجب سقوط حمایت و کاهش جبران‌ناپذیر ارزش دارایی گردد.

فصل دوم: تعارض منافع در توقیف و اداره حقوق مالکیت صنعتی در فرآیند ورشکستگی

گفتار اول تعارض میان حقوق بستانکاران و حقوق دارنده مالکیت صنعتی

یکی از پیچیده‌ترین مباحث حقوق ورشکستگی، تعارض میان منافع اشخاصی است که هر یک بر مبنای قواعد قانونی، خود را ذی حق در دارایی شرکت ورشکسته می‌دانند. این تعارض در خصوص حقوق مالکیت صنعتی، به مراتب پیچیده‌تر از اموال مادی است؛ زیرا این دسته از دارایی‌ها، افزون بر ارزش اقتصادی، دارای کارکردهای فناورانه، رقابتی، قراردادی و حتی اجتماعی هستند. از این رو، هر تصمیمی که در خصوص توقیف، اداره یا انتقال آنها اتخاذ می‌شود، می‌تواند منافع اشخاص متعددی را به طور هم‌زمان تحت تأثیر قرار دهد.

در فرآیند ورشکستگی، نخستین تعارض میان اصل حمایت از بستانکاران و حق انحصاری دارنده حقوق مالکیت صنعتی شکل می‌گیرد. از یک سو، حقوق ورشکستگی بر اصل وثیقه عمومی دارایی مدیون و ضرورت تأمین هرچه بیشتر مطالبات غرما استوار است و از سوی دیگر، حقوق مالکیت صنعتی با هدف حمایت از نوآوری و تضمین بهره‌برداری انحصاری از دستاوردهای فکری ایجاد شده است.

در نگاه نخست، ممکن است چنین تصور شود که این دو هدف با یکدیگر ناسازگارند، لیکن بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که میان آنها تعارض ذاتی وجود ندارد. در واقع، هرچه ارزش اقتصادی حقوق مالکیت صنعتی بهتر حفظ شود، امکان استیفای حقوق بستانکاران نیز افزایش خواهد یافت. بنابراین، حمایت از دارایی‌های فکری، در بسیاری از موارد، حمایت از منافع بستانکاران نیز محسوب می‌شود.

حدود اختیارات مدیر تصفیه

یکی از پرسش‌های بنیادین آن است که حدود اختیار مدیر تصفیه در اداره حقوق مالکیت صنعتی تا کجاست. آیا وی صرفاً اختیار نگهداری و فروش این حقوق را دارد یا می‌تواند نسبت به بهره‌برداری اقتصادی، انعقاد قراردادهای جدید، تمدید ثبت و حتی اقامه دعاوی مربوط به نقض این حقوق نیز اقدام نماید؟

به نظر نگارنده، پاسخ این پرسش باید بر پایه فلسفه وجودی نهاد تصفیه داده شود. مدیر تصفیه، قائم‌مقام شخص ورشکسته در اداره دارایی مالی است و تا آنجا که اقدامات وی در جهت حفظ یا افزایش ارزش دارایی و رعایت حقوق بستانکاران باشد، باید از اختیارات لازم برخوردار باشد.

این برداشت، افزون بر هماهنگی با اصول کلی حقوق تجارت، با قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ نیز سازگار است؛ زیرا شناسایی قابلیت انتقال، بهره‌برداری و توثیق این حقوق، مستلزم پذیرش اختیار اداره آنها نیز خواهد بود.

تعارض میان اصل نسبی بودن قراردادهای و آثار ورشکستگی

یکی دیگر از مباحث مهم، نسبت میان اصل نسبی بودن قراردادهای و آثار حکم ورشکستگی است. بر اساس اصل نسبی بودن، آثار قرارداد اصولاً محدود به طرفین آن است و اشخاص ثالث را متأثر نمی‌سازد. با این حال، ورشکستگی نهادی استثنایی است که به دلیل ارتباط با نظم عمومی اقتصادی، آثار آن گاه از قلمرو روابط خصوصی فراتر می‌رود.

این ویژگی نباید به گونه‌ای تفسیر شود که حقوق قراردادی اشخاص ثالث به طور کامل نادیده گرفته شود. بلکه باید میان آثار ناشی از نظم عمومی ورشکستگی و احترام به روابط قراردادی پیشین، توازن برقرار گردد. به باور نگارنده، این توازن زمانی محقق می‌شود که دادگاه و مدیر تصفیه، در هر مورد، آثار اقتصادی استمرار یا خاتمه قرارداد را به صورت عینی و تخصصی ارزیابی نمایند و از اتخاذ تصمیمات کلی و غیرمنعطف پرهیز کنند.

فصل سوم: مطالعه تطبیقی توقیف حقوق مالکیت صنعتی در فرآیند ورشکستگی

گفتار نخست رویکرد اسناد و مقررات بین‌المللی

پیش از بررسی نظام‌های حقوقی ملی، مطالعه اسناد بین‌المللی حاکم بر مالکیت صنعتی و ورشکستگی ضرورت دارد؛ زیرا حقوق مالکیت صنعتی، به ویژه در حوزه تجارت بین‌المللی، ماهیتی فراملی یافته و بخش قابل توجهی از روابط اقتصادی شرکت‌های تجاری از مرزهای ملی فراتر رفته است. از این رو، تحلیل جایگاه حقوق مالکیت صنعتی در فرآیند ورشکستگی بدون توجه به قواعد بین‌المللی، تصویری ناقص از وضعیت حقوقی این نهاد ارائه خواهد کرد. اگرچه تاکنون هیچ معاهده بین‌المللی اختصاصی درباره وضعیت حقوق مالکیت صنعتی در فرآیند ورشکستگی تصویب نشده است، اما مجموعه‌ای از اسناد بین‌المللی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، مبانی حقوقی لازم برای تحلیل این موضوع را فراهم ساخته‌اند. مهم‌ترین این اسناد عبارت‌اند از موافقت‌نامه TRIPS، کنوانسیون پاریس، اسناد و دستورالعمل‌های سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) و راهنمای قانون‌گذاری کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد (UNCITRAL) در زمینه ورشکستگی.

موافقت‌نامه TRIPS و شناسایی ماهیت اقتصادی حقوق مالکیت صنعتی

موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (TRIPS)، نقطه عطفی در تحول حقوق مالکیت فکری بین‌المللی محسوب می‌شود. فلسفه اصلی این موافقت‌نامه، ایجاد تعادل میان حمایت از نوآوری، توسعه تجارت و تضمین امنیت سرمایه‌گذاری است.

هرچند این موافقت‌نامه مستقیماً به موضوع ورشکستگی نمی‌پردازد، لیکن پذیرش قابلیت انتقال، بهره‌برداری،

اعطای مجوز استفاده و حمایت مؤثر از حقوق مالکیت صنعتی، بیانگر آن است که این حقوق دارای ماهیتی اقتصادی هستند و بخشی از سرمایه تجاری اشخاص محسوب می‌شوند.

بر همین اساس، بسیاری از نویسندگان حقوق تجارت بین‌الملل معتقدند که قواعد ورشکستگی نیز باید با این واقعیت هماهنگ تفسیر شوند و حقوق مالکیت صنعتی را همانند سایر دارایی‌های مالی مورد حمایت قرار دهند.

کنوانسیون پاریس و قابلیت انتقال حقوق صنعتی

کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی، اگرچه یکی از قدیمی‌ترین اسناد بین‌المللی این حوزه است، اما همچنان مبانی مهمی درباره استقلال حقوق مالکیت صنعتی و قابلیت انتقال آنها ارائه می‌دهد.

یکی از نتایج حقوقی این کنوانسیون آن است که حقوق ناشی از ثبت اختراع یا علامت تجاری، حقوقی مستقل با قابلیت نقل و انتقال هستند. این ویژگی، مبنای مهمی برای پذیرش قابلیت توقیف این حقوق در نظام‌های حقوقی مختلف به شمار می‌رود؛ زیرا هر حقی که قابلیت انتقال داشته باشد، اصولاً می‌تواند موضوع اجرای احکام و استیفای مطالبات نیز قرار گیرد.

نقش اسناد WIPO در تحلیل اقتصادی دارایی‌های فکری

یکی از مهم‌ترین تحولات سال‌های اخیر، توجه سازمان جهانی مالکیت فکری به جنبه اقتصادی حقوق مالکیت صنعتی است.

در دستورالعمل‌ها و گزارش‌های منتشرشده توسط WIPO، بارها تأکید شده است که دارایی‌های فکری باید به عنوان سرمایه‌های اقتصادی شرکت شناخته شوند و ارزش‌گذاری، مدیریت، انتقال و بهره‌برداری از آنها بر اساس معیارهای اقتصادی انجام گیرد.

این رویکرد، از منظر پژوهش حاضر اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا نشان می‌دهد که در سطح بین‌المللی نیز نگاه سنتی به مالکیت صنعتی جای خود را به نگرشی اقتصادی داده است. بر همین مبنا، مدیریت دارایی‌های فکری در فرآیند ورشکستگی نیز نباید صرفاً با معیارهای کلاسیک حقوق اموال انجام شود.

راهنمای قانون‌گذاری UNCITRAL درباره ورشکستگی

یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در زمینه حقوق ورشکستگی، راهنمای قانون‌گذاری کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد است.

این سند، اگرچه قواعد الزام‌آور ایجاد نمی‌کند، اما مهم‌ترین الگوهای تقنینی در حوزه اعسار و ورشکستگی را ارائه می‌دهد و بسیاری از کشورها اصلاحات قوانین ورشکستگی خود را بر اساس آن انجام داده‌اند.

یکی از مهم‌ترین توصیه‌های این راهنما، لزوم شناسایی تمامی دارایی‌های دارای ارزش اقتصادی در توده دارایی ورشکستگی است. همچنین، بر ضرورت حفظ ارزش اقتصادی دارایی‌ها، مدیریت تخصصی آنها، جلوگیری از فروش شتاب زده و حمایت از قراردادهای دارای ارزش اقتصادی تأکید شده است. اگرچه در این سند، حقوق مالکیت صنعتی موضوع بحث مستقلی قرار نگرفته، اما اصول کلی آن به روشنی قابلیت اعمال نسبت به دارایی‌های فکری را نیز دارد.

تحلیل تطبیقی اسناد بین‌المللی

بررسی اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که گرایش غالب جامعه حقوقی بین‌المللی، حرکت از نگرش شکلی به سوی نگرش اقتصادی نسبت به حقوق مالکیت صنعتی است. در این رویکرد، حقوق مالکیت صنعتی صرفاً ابزار حمایت از مخترع یا صاحب علامت نیست، بلکه بخشی از سرمایه مولد بنگاه اقتصادی محسوب می‌شود. بنابراین، هرگونه نظام ورشکستگی که این دارایی‌ها را از فرآیند مدیریت و تصفیه خارج کند، نه تنها با تحولات اقتصادی معاصر، بلکه با جهت‌گیری عمومی حقوق تجارت بین‌الملل نیز ناسازگار خواهد بود. این اسناد همچنین بر چند اصل بنیادین تأکید دارند: نخست، ضرورت شناسایی دارایی‌های نامشهود به عنوان بخشی از سرمایه شرکت. دوم، لزوم حفظ ارزش اقتصادی این دارایی‌ها در فرآیند ورشکستگی. سوم، حمایت از امنیت حقوقی قراردادهای انتقال فناوری و اعطای مجوز بهره‌برداری. چهارم، رعایت حقوق اشخاص ثالث و سرمایه‌گذاران با حسن نیت. پنجم، بهره‌گیری از سازوکارهای تخصصی در ارزش‌گذاری و مدیریت دارایی‌های فکری.

جایگاه این اصول در حقوق ایران

با تصویب قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، نظام حقوقی ایران گام مهمی در جهت پذیرش وصف اقتصادی حقوق مالکیت صنعتی برداشته است. با وجود این، هنوز میان این تحول و مقررات قانون تجارت درباره ورشکستگی هماهنگی کامل برقرار نشده است. به اعتقاد نگارنده، بهره‌گیری از اصول پذیرفته‌شده در اسناد بین‌المللی، نه به معنای کنار گذاشتن مبانی حقوق داخلی، بلکه روشی برای تفسیر هماهنگ قوانین ملی با تحولات حقوق تجارت بین‌الملل است. چنین رویکردی می‌تواند ضمن حفظ مبانی حقوق ایران، زمینه انطباق مقررات ورشکستگی با واقعیت‌های اقتصاد دانش‌بنیان و الزامات تجارت جهانی را نیز فراهم آورد.

از این رو، بررسی نظام‌های حقوقی فرانسه، آلمان و ایالات متحده که در ادامه خواهد آمد، در حقیقت تجلی عملی همین اصول در قوانین داخلی کشورهای پیشرو است و می‌تواند مبنای مناسبی برای اصلاح قانون تجارت ایران فراهم سازد.

گفتار دوم مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه

حقوق فرانسه را باید یکی از تأثیرگذارترین نظام‌های حقوقی بر حقوق تجارت ایران دانست. بخش قابل توجهی از نهادهای حقوق تجارت ایران، به ویژه مقررات مربوط به شرکت‌های تجاری، اسناد تجاری و ورشکستگی، با الهام از حقوق فرانسه تدوین شده‌اند. از این رو، بررسی جایگاه حقوق مالکیت صنعتی در فرآیند ورشکستگی در این نظام حقوقی، صرفاً جنبه تطبیقی ندارد، بلکه می‌تواند در تفسیر مقررات داخلی و ارائه پیشنهاد‌های اصلاحی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند.

در حقوق فرانسه، مقررات مربوط به ورشکستگی عمدتاً در Code de commerce و مقررات مربوط به مالکیت صنعتی در Code de la propriété intellectuelle تنظیم شده است. هرچند این دو مجموعه قانونی مستقل از یکدیگرند، لیکن رویه قضایی و دکترین حقوقی فرانسه، میان آنها ارتباطی نظام‌مند برقرار کرده‌اند و حقوق مالکیت صنعتی را بخشی از دارایی اقتصادی شرکت تلقی می‌کنند. پاورقی پیشنهادی: ارجاع به Code de commerce و Code de la propriété intellectuelle، همراه با آثار Malaurie، Ripert و Guyon در حوزه حقوق تجارت فرانسه.

جایگاه مدیر قضایی و مدیر تصفیه

در نظام حقوقی فرانسه، مدیر قضایی و مدیر تصفیه، صرفاً مأمور فروش اموال نیستند، بلکه وظیفه دارند دارایی شرکت را به گونه‌ای اداره کنند که بیشترین ارزش اقتصادی ممکن حفظ شود.

در حوزه مالکیت صنعتی، این اختیارات شامل موارد زیر است:

- تمدید ثبت اختراعات، علائم تجاری و طرح‌های صنعتی؛
- دفاع از اعتبار حقوق مالکیت صنعتی در دعاوی ابطال یا نقض؛
- ادامه یا اصلاح قراردادهای اعطای اجازه بهره‌برداری؛
- انعقاد قراردادهای ضروری برای حفظ ارزش اقتصادی دارایی؛
- فروش مستقل یا انتقال مجموعه حقوق مالکیت صنعتی؛
- مشارکت در انتقال کل بنگاه اقتصادی همراه با دارایی‌های فکری.

این اختیارات، بیانگر تغییر نقش مدیر تصفیه از یک مأمور اجرایی به یک مدیر اقتصادی است؛ تحولی که در

حقوق ایران هنوز به صورت کامل تحقق نیافته است.

گفتار سوم مطالعه تطبیقی در حقوق آلمان

حقوق آلمان، به ویژه پس از اصلاحات بنیادین قانون اعسار (Insolvenzordnung)، یکی از منسجم‌ترین نظام‌های حقوقی جهان در زمینه اداره دارایی‌های شرکت‌های ورشکسته محسوب می‌شود. ویژگی ممتاز این نظام، نگرش اقتصادی به دارایی و تأکید بر حفظ ارزش بنگاه اقتصادی است. برخلاف دیدگاه سنتی که ورشکستگی را صرفاً مقدمه فروش دارایی‌ها تلقی می‌کرد، قانون‌گذار آلمانی تلاش کرده است از طریق مدیریت تخصصی دارایی، بیشترین ارزش ممکن را برای مجموعه بستانکاران حفظ نماید.

این رویکرد در خصوص حقوق مالکیت صنعتی اهمیت ویژه‌ای یافته است؛ زیرا بخش قابل توجهی از شرکت‌های صنعتی و فناوری محور آلمان، ارزش اقتصادی خود را از اختراعات، علائم تجاری، فناوری‌های ثبت شده و دانش فنی به دست می‌آورند. از همین رو، رویه قضایی و دکترین آلمان، این حقوق را نه دارایی‌هایی فرعی، بلکه بخش جدایی ناپذیر سرمایه اقتصادی شرکت می‌دانند.

مفهوم توده دارایی ورشکستگی (Insolvenzmasse)

یکی از مفاهیم بنیادین حقوق اعسار آلمان، «توده دارایی ورشکستگی» است. مقصود از این مفهوم، مجموعه کلیه حقوق و اموال دارای ارزش اقتصادی است که در زمان افتتاح فرآیند اعسار به مدیون تعلق دارد یا در موارد مقرر قانونی، بعداً به آن افزوده می‌شود.

ویژگی مهم این مفهوم آن است که قانون‌گذار میان اموال مادی و حقوق مالی غیرمادی تفاوتی قائل نشده است. ملاک ورود یک حق به توده دارایی، برخورداری از ارزش اقتصادی و قابلیت انتقال قانونی است، نه جسمانیت آن. بر این اساس، اختراعات ثبت شده، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی، حقوق ناشی از قراردادهای انتقال فناوری، مطالبات حاصل از اعطای مجوز بهره‌برداری و سایر حقوق مالی مرتبط با مالکیت صنعتی، همگی جزئی از توده دارایی ورشکستگی محسوب می‌شوند.

این تحلیل، با مبانی حقوق ایران نیز قابل انطباق است؛ زیرا قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ نیز وصف مالی و قابلیت انتقال این حقوق را به رسمیت شناخته است.

اختیارات مدیر اعسار

در نظام حقوقی آلمان، مدیر اعسار (Insolvenzverwalter) از اختیارات گسترده‌ای در اداره دارایی برخوردار است، اما این اختیارات همواره در چهارچوب اصل امانت‌داری و رعایت منافع مشترک بستانکاران اعمال می‌شود.

در خصوص حقوق مالکیت صنعتی، مدیر اعسار اختیار دارد:

- اعتبار ثبت اختراعات و علائم تجاری را حفظ کند.
 - هزینه‌های تمدید حقوق صنعتی را در صورت توجیه اقتصادی پرداخت نماید.
 - دعاوی مربوط به نقض یا ابطال حقوق مالکیت صنعتی را تعقیب یا دفاع کند.
 - قراردادهای انتقال فناوری را مدیریت کند.
 - حقوق مالکیت صنعتی را به صورت مستقل یا همراه با کل بنگاه اقتصادی منتقل نماید.
 - نسبت به انعقاد قراردادهای جدید بهره‌برداری اقدام کند، مشروط بر آنکه این اقدام موجب افزایش ارزش دارایی شود.
- این اختیارات، بیانگر آن است که مدیر اعسار در حقوق آلمان صرفاً نقش مأمور فروش را بر عهده ندارد، بلکه به عنوان مدیر سرمایه اقتصادی شرکت عمل می‌کند.

اصل حفظ ارزش اقتصادی

یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر حقوق اعسار آلمان، اصل حفظ ارزش اقتصادی دارایی است. بر اساس این اصل، هر تصمیمی که موجب کاهش غیرضروری ارزش دارایی شود، مغایر با وظایف قانونی مدیر اعسار خواهد بود. این قاعده در خصوص دارایی‌های فکری اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا ارزش آنها غالباً به استمرار بهره‌برداری، حفظ اعتبار حقوق ثبت شده و تداوم روابط قراردادی وابسته است. برای مثال، اگر مدیر اعسار از تمدید یک اختراع ارزشمند خودداری کند و در نتیجه حمایت قانونی آن از بین برود، چنین اقدامی می‌تواند موجب ورود خسارت سنگین به توده دارایی ورشکستگی شود. همچنین، خاتمه غیرضروری قراردادهای اعطای اجازه بهره‌برداری ممکن است جریان درآمدی شرکت را قطع کرده و ارزش اقتصادی پرتفوی مالکیت صنعتی را کاهش دهد. از این رو، در رویه حقوقی آلمان، مدیر اعسار موظف است پیش از اتخاذ هر تصمیم، آثار اقتصادی آن را ارزیابی کرده و گزینه‌ای را انتخاب کند که بیشترین منفعت را برای مجموعه بستانکاران ایجاد نماید.

تحلیل انتقادی

تجربه حقوق آلمان نشان می‌دهد که موفقیت نظام ورشکستگی، بیش از آنکه به سرعت تصفیه وابسته باشد، به کیفیت اداره دارایی بستگی دارد. این نظام با پذیرش مفهوم گسترده دارایی، مدیریت فعال سرمایه‌های فکری و استفاده از ارزیابی‌های تخصصی، توانسته است میان حمایت از بستانکاران و حفظ ارزش اقتصادی بنگاه تعادل برقرار کند.

در مقابل، در حقوق ایران هنوز تعریف جامعی از دارایی ورشکسته ارائه نشده و قانون تجارت نسبت به نحوه اداره دارایی‌های نامشهود سکوت اختیار کرده است. اگرچه قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ زمینه شناسایی اقتصادی این حقوق را فراهم کرده، اما نبود مقررات تکمیلی در حوزه ورشکستگی، مانع بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های این قانون است.

به اعتقاد نگارنده، مهم‌ترین آموزه حقوق آلمان برای نظام حقوقی ایران، پذیرش این اصل است که «دارایی فکری، سرمایه‌ای پویا است و نه مالی منفعل». بر همین اساس، مدیر تصفیه باید افزون بر حفظ ظاهری این حقوق، مسئول حفظ و ارتقای ارزش اقتصادی آنها نیز شناخته شود. این تحول، ضمن افزایش کارایی فرآیند ورشکستگی، موجب هم‌سویی بیشتر حقوق تجارت ایران با الزامات اقتصاد دانش‌بنیان و استانداردهای حقوق تجارت معاصر خواهد شد.

گفتار چهارم مطالعه تطبیقی در حقوق ایالات متحده آمریکا

در میان نظام‌های حقوقی معاصر، حقوق ایالات متحده آمریکا را باید پیشرفته‌ترین نظام در زمینه تلاقی حقوق ورشکستگی و حقوق مالکیت فکری دانست. علت این امر صرفاً توسعه مقررات قانونی نیست، بلکه شکل‌گیری رویه‌ای غنی و منسجم در دادگاه‌های فدرال و به ویژه دیوان عالی ایالات متحده است که طی چند دهه اخیر، بسیاری از ابهامات مربوط به وضعیت دارایی‌های فکری در فرآیند ورشکستگی را برطرف ساخته است. اقتصاد ایالات متحده، بیش از هر اقتصاد دیگری بر دارایی‌های نامشهود استوار است. بخش عمده ارزش شرکت‌های فعال در حوزه نرم‌افزار، داروسازی، زیست‌فناوری، هوش مصنوعی، نیمه‌رساناها و صنایع دیجیتال، در قالب اختراعات، علائم تجاری، اسرار تجاری، حق امتیازها و قراردادهای انتقال فناوری تجلی یافته است. طبیعی است که حقوق ورشکستگی این کشور نیز ناگزیر از انطباق با این واقعیت اقتصادی بوده باشد. قانون ورشکستگی ایالات متحده (Title 11 United States Code) با اتخاذ رویکردی اقتصادی، کلیه حقوق و منافع مالی مدیون را در مفهوم «دارایی ورشکستگی» (Bankruptcy Estate) قرار داده است. این مفهوم، دامنه‌ای بسیار گسترده دارد و تمامی دارایی‌های مادی و غیرمادی را که دارای ارزش اقتصادی هستند، در بر می‌گیرد.

مفهوم Bankruptcy Estate و جایگاه حقوق مالکیت صنعتی

بر اساس مقررات قانون ورشکستگی آمریکا، با افتتاح فرآیند ورشکستگی، تمامی منافع و حقوق مالی متعلق به مدیون، اعم از حقوق عینی، حقوق قراردادی، مطالبات، اختراعات، علائم تجاری، حقوق ناشی از لیسانس، قراردادهای انتقال فناوری و سایر دارایی‌های نامشهود، وارد دارایی ورشکستگی می‌شوند. ویژگی مهم این نظام آن است که معیار ورود دارایی به توده ورشکستگی، «وجود منفعت اقتصادی» است، نه

شکل یا ماهیت فیزیکی آن.

از این منظر، حق اختراع یا علامت تجاری، همانند یک کارخانه یا ساختمان، بخشی از سرمایه شرکت محسوب می‌شود و مدیر ورشکستگی مکلف است آن را در جهت افزایش ارزش مجموعه دارایی اداره نماید. این برداشت، با تحول مفهوم مال در اقتصاد نوین کاملاً هماهنگ است و از همین رو، یکی از مهم‌ترین مبانی نظری اصلاح حقوق تجارت ایران نیز می‌تواند باشد.

قراردادهای اجرانشده (Executory Contracts)

یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های حقوق ورشکستگی آمریکا، تحلیل قراردادهای اجرانشده است. مقصود از قرارداد اجرانشده، قراردادی است که در زمان صدور حکم ورشکستگی، تعهدات اساسی هر دو طرف هنوز به طور کامل اجرا نشده باشد. بخش قابل توجهی از قراردادهای انتقال فناوری، قراردادهای اعطای اجازه بهره‌برداری از اختراع، نرم‌افزار، دانش فنی و حتی برخی قراردادهای فرانسیز در همین دسته قرار می‌گیرند. مطابق قانون ورشکستگی آمریکا، مدیر ورشکستگی اختیار دارد تصمیم بگیرد که اجرای چنین قراردادهایی ادامه یابد یا رد شوند. با این حال، این اختیار مطلق نیست و آثار حقوقی رد قرارداد، محدود به عدم اجرای تعهدات آینده است و اصولاً موجب زوال حقوق مکتسبه‌ای که پیش از ورشکستگی ایجاد شده‌اند، نمی‌شود. همین تحلیل، یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های حقوق آمریکا با بسیاری از نظام‌های سنتی است.

پرونده Lubrizol و واکنش قانون‌گذار

یکی از مشهورترین آرای تاریخ حقوق مالکیت فکری و ورشکستگی، رأی صادره در پرونده Lubrizol Enterprises, Inc. v. Richmond Metal Finishers, Inc. است.

در این پرونده، دادگاه تجدیدنظر حوزه چهارم ایالات متحده اعلام کرد که مدیر ورشکستگی می‌تواند قرارداد اعطای اجازه بهره‌برداری از اختراع را رد کند و در نتیجه، بهره‌بردار حق ادامه استفاده از فناوری را نخواهد داشت. این رأی با انتقاد شدید محافل علمی و اقتصادی مواجه شد؛ زیرا امنیت سرمایه‌گذاری در انتقال فناوری را به شدت تضعیف می‌کرد. شرکت‌هایی که میلیون‌ها دلار بر پایه قراردادهای لیسانس سرمایه‌گذاری کرده بودند، دیگر اطمینان نداشتند که در صورت ورشکستگی مالک اختراع، بتوانند به بهره‌برداری خود ادامه دهند.

در واکنش به این انتقادات، قانون‌گذار آمریکا مقرراتی را به قانون ورشکستگی افزود تا از حقوق بهره‌برداران فناوری حمایت بیشتری به عمل آید. این اصلاحات نشان‌دهنده آن است که در اقتصاد دانش‌بنیان، حمایت از امنیت قراردادی، بخشی جدایی‌ناپذیر از حمایت از نوآوری است.

رای Mission Product Holdings و تحول بنیادین در رویه قضایی

تحول واقعی در این حوزه با رأی دیوان عالی ایالات متحده در پرونده -Mission Product Holdings, Inc. v. Tempnology, LLC رقم خورد.

موضوع پرونده، قرارداد اعطای اجازه بهره‌برداری از علامت تجاری بود. مدیر ورشکستگی قرارداد را رد کرده بود و این پرسش مطرح شد که آیا رد قرارداد، موجب از بین رفتن حق استفاده بهره‌بردار از علامت نیز می‌شود یا خیر. دیوان عالی آمریکا در رأیی تاریخی اعلام کرد که رد قرارداد، صرفاً به معنای امتناع مدیر ورشکستگی از اجرای تعهدات آینده است و به خودی خود، حقوقی را که پیش از ورشکستگی به صورت معتبر به طرف مقابل اعطا شده‌اند، از بین نمی‌برد.

اهمیت این رأی در آن است که میان «عدم اجرای قرارداد» و «زوال حق» تفکیک قائل شد. به بیان دیگر، ورشکستگی نباید وسیله‌ای برای سلب حقوق مکتسبه اشخاص ثالث باشد. این رأی، امروزه یکی از مهم‌ترین مبانی حقوقی حمایت از سرمایه‌گذاری در حوزه انتقال فناوری محسوب می‌شود و در ادبیات حقوق تجارت بین‌الملل نیز بازتاب گسترده‌ای یافته است.

تحلیل اقتصادی رویه قضایی آمریکا

بررسی آرای دادگاه‌های آمریکا نشان می‌دهد که فلسفه حاکم بر این نظام، حمایت هم‌زمان از سه هدف بنیادین است:

نخست، حفظ ارزش اقتصادی دارایی ورشکسته؛

دوم، حمایت از اعتماد مشروع سرمایه‌گذاران و طرف‌های قرارداد؛

سوم، جلوگیری از اختلال در بازار انتقال فناوری.

اگر ورشکستگی بتواند بدون محدودیت موجب زوال قراردادهای بهره‌برداری شود، هیچ سرمایه‌گذاری حاضر نخواهد بود بر پایه فناوری متعلق به دیگران، سرمایه‌گذاری بلندمدت انجام دهد. در نتیجه، نه تنها بازار انتقال فناوری، بلکه کل نظام نوآوری آسیب خواهد دید. از این منظر، حقوق ورشکستگی نباید صرفاً ابزاری برای حمایت از بستانکاران باشد، بلکه باید نقش خود را در حفظ ثبات بازار و تشویق نوآوری نیز ایفا کند.

قابلیت بهره‌گیری در حقوق ایران

اگرچه ساختار حقوقی ایران با نظام کامن‌لا تفاوت‌های اساسی دارد، اما بسیاری از اصول پذیرفته‌شده در حقوق آمریکا، به ویژه در حوزه تحلیل اقتصادی ورشکستگی، قابلیت بهره‌گیری دارند.

به ویژه، تفکیک میان آثار ورشکستگی بر تعهدات قراردادی و آثار آن بر حقوق مکتسبه اشخاص ثالث، می تواند در تفسیر مقررات قانون تجارت و قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ مورد توجه قرار گیرد. همچنین، پذیرش اصل حفظ قراردادهای سودمند، حمایت از لیسانس گیرندگان با حسن نیت و الزام مدیر تصفیه به ارزیابی اقتصادی تصمیمات خود، از جمله آموزه هایی است که می تواند در اصلاح آینده مقررات ورشکستگی ایران نقش مهمی ایفا کند.

فصل چهارم: تحلیل اقتصادی توقیف حقوق مالکیت صنعتی در فرآیند ورشکستگی

گفتار اول تحلیل اقتصادی حقوق و بازتعریف مفهوم دارایی در ورشکستگی

تحولات اقتصادی نیم قرن اخیر، یکی از اساسی ترین مبانی حقوق ورشکستگی را دگرگون ساخته است. اگر در اقتصاد صنعتی، ارزش شرکت ها عمدتاً بر پایه سرمایه های فیزیکی، ماشین آلات، زمین، ساختمان و تجهیزات تولیدی استوار بود، در اقتصاد دانش بنیان بخش عمده ارزش بنگاه های اقتصادی از دارایی های نامشهود ناشی می شود. اختراعات، علائم تجاری، فناوری های ثبت شده، دانش فنی، الگوریتم ها، نرم افزارها، اسرار تجاری و سرمایه اعتباری شرکت ها، امروزه سهمی به مراتب بیشتر از اموال مادی در ارزش اقتصادی شرکت ها دارند. این تحول، حقوق ورشکستگی را نیز ناگزیر از بازنگری در مفهوم «دارایی» ساخته است. اگر هدف نهاد ورشکستگی، حفظ ارزش اقتصادی دارایی و استیفای عادلانه حقوق بستانکاران باشد، دیگر نمی توان مهم ترین سرمایه شرکت را صرفاً به دلیل غیرمادی بودن، خارج از تحلیل حقوقی قرار داد. از منظر تحلیل اقتصادی حقوق، ارزش هر دارایی نه به ماهیت مادی یا غیرمادی آن، بلکه به توانایی آن در ایجاد منفعت اقتصادی وابسته است. هر حقی که بتواند جریان درآمد ایجاد کند، هزینه های مبادله را کاهش دهد، قدرت رقابت شرکت را افزایش دهد یا موجب جذب سرمایه شود، سرمایه ای اقتصادی محسوب می شود و باید همانند سایر دارایی ها در فرآیند ورشکستگی مورد حمایت قرار گیرد.

نظریه پیشینه سازی ارزش دارایی

یکی از مهم ترین مبانی تحلیل اقتصادی ورشکستگی، نظریه پیشینه سازی ارزش دارایی است. بر اساس این نظریه، وظیفه مدیر تصفیه صرفاً تبدیل دارایی به وجه نقد نیست، بلکه وی باید راهکاری را انتخاب کند که بیشترین ارزش اقتصادی را برای مجموعه ذی نفعان ایجاد نماید. این اصل، در خصوص حقوق مالکیت صنعتی اهمیت مضاعفی پیدا می کند؛ زیرا این دسته از دارایی ها، برخلاف بسیاری از اموال مادی، در صورت مدیریت صحیح ممکن است ارزش بیشتری پیدا کنند. برای نمونه، یک اختراع

ثبت شده که هنوز وارد مرحله بهره‌برداری تجاری نشده است، ممکن است از طریق انعقاد قرارداد انتقال فناوری یا اعطای اجازه بهره‌برداری، درآمدی بسیار بیشتر از فروش مستقیم ایجاد نماید. همچنین، علامت تجاری مشهور در صورتی که همراه با مجموعه فعالیت اقتصادی شرکت منتقل شود، معمولاً ارزشی به مراتب بیشتر از انتقال مستقل آن خواهد داشت. بنابراین، تصمیم مدیر تصفیه باید بر پایه تحلیل اقتصادی و نه صرفاً سهولت فروش اتخاذ شود.

نظریه هزینه‌های مبادله

یکی دیگر از مبانی مهم تحلیل اقتصادی حقوق، نظریه هزینه‌های مبادله است. مطابق این نظریه، هرچه هزینه انعقاد، اجرا و نظارت بر معاملات کمتر باشد، کارایی بازار افزایش می‌یابد. در حوزه مالکیت صنعتی، ابهام نسبت به وضعیت حقوق ناشی از اختراع، علامت تجاری یا قراردادهای انتقال فناوری در فرض ورشکستگی، هزینه‌های مبادله را به شدت افزایش می‌دهد. سرمایه‌گذاران، بانک‌ها، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های فناوری، هنگامی حاضر به سرمایه‌گذاری خواهند بود که بتوانند آثار حقوقی ورشکستگی را با اطمینان پیش‌بینی کنند.

فقدان مقررات روشن در حقوق ایران، موجب افزایش ریسک قراردادی، کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری در فناوری و افزایش هزینه تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان خواهد شد. از این منظر، اصلاح مقررات ورشکستگی، صرفاً یک اصلاح حقوقی نیست، بلکه اقدامی در جهت بهبود محیط کسب‌وکار و ارتقای کارایی اقتصادی است.

حقوق مالکیت صنعتی به عنوان وثیقه اعتباری

یکی از کارکردهای مهم حقوق مالکیت صنعتی در اقتصاد معاصر، ایفای نقش به عنوان ابزار تأمین مالی است. شرکت‌های نوآور، به ویژه در مراحل اولیه فعالیت، غالباً دارایی مادی قابل توجهی در اختیار ندارند و بخش عمده سرمایه آنها در قالب اختراعات، علائم تجاری و فناوری‌های اختصاصی متجلی است.

هرچه نظام حقوقی حمایت مؤثرتری از قابلیت انتقال، توثیق و اداره این حقوق در فرآیند ورشکستگی به عمل آورد، ارزش اعتباری آنها نیز افزایش خواهد یافت. در نتیجه، بانک‌ها، مؤسسات مالی و سرمایه‌گذاران با اطمینان بیشتری این دارایی‌ها را به عنوان وثیقه یا پشتوانه سرمایه‌گذاری خواهند پذیرفت.

برعکس، اگر وضعیت این حقوق در فرض ورشکستگی مبهم باشد، ارزش اعتباری آنها کاهش یافته و شرکت‌های دانش‌بنیان با دشواری بیشتری به منابع مالی دسترسی پیدا خواهند کرد.

نتیجه‌گیری

تحول بنیادین اقتصاد جهانی از الگوی مبتنی بر سرمایه‌های مادی به اقتصاد دانش‌بنیان، موجب دگرگونی

مفهوم دارایی در حقوق تجارت شده است. امروزه ارزش اقتصادی بسیاری از شرکت‌های تجاری، نه در زمین، ساختمان، تجهیزات یا موجودی کالا، بلکه در اختراعات، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی، فناوری‌های ثبت شده، دانش فنی و سایر حقوق مالکیت صنعتی متجلی است. این تحول، نظام‌های حقوقی را ناگزیر ساخته است تا درک سنتی خود از دارایی، وثیقه عمومی بستانکاران و فرآیند ورشکستگی را بازنگری کنند.

پژوهش حاضر با بررسی هم‌زمان قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳، قانون تجارت، قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، قواعد عمومی حقوق مدنی، اسناد بین‌المللی و مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی فرانسه، آلمان و ایالات متحده، به این نتیجه رسید که حقوق مالکیت صنعتی، به دلیل برخورداری از ارزش اقتصادی، قابلیت انتقال، امکان توثیق و قابلیت بهره‌برداری تجاری، بدون تردید بخشی از دارایی شرکت تجاری محسوب می‌شوند و در نتیجه، اصولاً باید در قلمرو دارایی ورشکسته قرار گیرند.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش آن است که سکوت قانون تجارت ایران درباره وضعیت حقوق مالکیت صنعتی، به معنای خروج این حقوق از فرآیند ورشکستگی نیست. برعکس، با تفسیر هماهنگ قانون تجارت و قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ و با استناد به اصول کلی حقوق خصوصی، از جمله اصل مسئولیت عمومی دارایی مدیون، اصل تساوی بستانکاران، اصل قابلیت انتقال حقوق مالی و اصل تفسیر مضیق استثنائات، می‌توان قابلیت توقیف و اداره این حقوق را در فرآیند تصفیه استنباط نمود.

تحلیل ماهیت حقوقی اختراع، علامت تجاری، طرح صنعتی، نام تجاری و سایر حقوق مالکیت صنعتی نیز نشان داد که اگرچه این حقوق از حیث موضوع حمایت تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند، لیکن همگی در یک ویژگی بنیادین مشترک‌اند و آن، ایجاد منفعت اقتصادی و قابلیت حضور در چرخه معاملات است. همین ویژگی، مبنای ورود آنها به توده دارایی ورشکستگی، امکان ارزش‌گذاری، انتقال و بهره‌برداری اقتصادی خواهد بود.

در بخش تطبیقی، مطالعه حقوق فرانسه، آلمان و ایالات متحده بیانگر آن بود که گرایش غالب نظام‌های حقوقی پیشرفته، فاصله گرفتن از نگرش سنتی نسبت به ورشکستگی و حرکت به سوی مدیریت فعال دارایی‌های نامشهود است. در این نظام‌ها، مدیر تصفیه یا مدیر اعسار، صرفاً مأمور فروش اموال نیست، بلکه وظیفه دارد ارزش اقتصادی دارایی‌های فکری را حفظ، مدیریت و در صورت امکان، افزایش دهد. استمرار قراردادهای سودمند، حفظ حقوق اشخاص ثالث با حسن نیت، استفاده از روش‌های تخصصی ارزش‌گذاری و نظارت قضایی بر تصمیمات مدیر تصفیه، از مهم‌ترین ویژگی‌های این نظام‌هاست.

تحلیل اقتصادی حقوق نیز نتایج حقوقی و تطبیقی این پژوهش را تأیید نمود. از منظر تحلیل اقتصادی، حمایت از حقوق مالکیت صنعتی در فرآیند ورشکستگی نه تنها با منافع بستانکاران تعارض ندارد، بلکه وسیله‌ای برای بیشینه‌سازی ارزش دارایی، کاهش هزینه‌های مبادله، تقویت امنیت سرمایه‌گذاری و افزایش کارایی نظام ورشکستگی محسوب می‌شود. هر اندازه نظام حقوقی بتواند ارزش اقتصادی دارایی‌های فکری را بهتر حفظ کند،

امکان استیفای مطالبات بستانکاران نیز افزایش خواهد یافت.

با وجود این، پژوهش حاضر نشان داد که نظام حقوقی ایران همچنان با خلأهای تقنینی متعددی مواجه است. مهم‌ترین این نارسایی‌ها عبارت‌اند از فقدان تعریف جامع از دارایی ورشکسته، سکوت قانون درباره نحوه اداره حقوق مالکیت صنعتی، نبود ضوابط تخصصی ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود، عدم تعیین تکلیف قراردادهای انتقال فناوری و اعطای اجازه بهره‌برداری، و فقدان هماهنگی میان مقررات قانون تجارت و قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳.

بر این اساس، نگارنده پیشنهاد می‌کند که در بازنگری آینده قانون تجارت، اصلاحات زیر مورد توجه قانون‌گذار قرار گیرد:

نخست، تعریف صریح دارایی ورشکسته به گونه‌ای که تمامی حقوق مالی، اعم از مادی و غیرمادی، را در بر گیرد. دوم، شناسایی صریح حقوق مالکیت صنعتی به عنوان بخشی از دارایی قابل توقیف و تصفیه. سوم، توسعه اختیارات قانونی مدیر تصفیه در زمینه حفظ، تمدید، بهره‌برداری، انتقال و مدیریت حقوق مالکیت صنعتی.

چهارم، پیش‌بینی مقررات اختصاصی درباره وضعیت قراردادهای انتقال فناوری، قراردادهای اعطای اجازه بهره‌برداری و سایر قراردادهای مرتبط با مالکیت صنعتی در فرض ورشکستگی. پنجم، ایجاد نظام تخصصی ارزش‌گذاری دارایی‌های فکری با استفاده از کارشناسان میان‌رشته‌ای در حوزه حقوق، اقتصاد، حسابداری و فناوری.

ششم، پیش‌بینی حمایت‌های قانونی از حقوق اشخاص ثالث، سرمایه‌گذاران و بهره‌برداران با حسن نیت به منظور تقویت امنیت حقوقی معاملات.

هفتم، ایجاد هماهنگی تقنینی میان قانون تجارت، قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، قانون اجرای احکام مدنی و مقررات ثبتی مربوط به مالکیت صنعتی.

در نهایت، می‌توان گفت که تصویب قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، آغازگر مرحله‌ای نوین در تحول حقوق مالکیت فکری ایران است؛ اما تحقق کامل اهداف این قانون، مستلزم بازنگری هم‌زمان در مقررات حقوق تجارت و ورشکستگی است. تنها در سایه چنین اصلاحی است که می‌توان میان حمایت از نوآوری، تضمین حقوق بستانکاران، امنیت قراردادهای انتقال فناوری و اقتضائات اقتصاد دانش‌بنیان، توازن پایدار و کارآمد برقرار نمود. نتیجه نهایی این پژوهش آن است که حقوق مالکیت صنعتی در نظام حقوقی امروز، دیگر نباید به عنوان حقوقی فرعی یا استثنایی تلقی شوند؛ بلکه این حقوق، بخش اساسی سرمایه شرکت‌های تجاری و یکی از ارکان اصلی دارایی ورشکسته به شمار می‌آیند. از این رو، آینده حقوق تجارت ایران در گرو پذیرش این تحول مفهومی و انطباق مقررات ورشکستگی با واقعیت‌های اقتصاد مبتنی بر دانش، فناوری و نوآوری خواهد بود.

الف) منابع فارسی

- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت: ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت)، آخرین چاپ.
- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد چهارم: ورشکستگی، تهران، نشر دادگستر، آخرین چاپ.
- عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد چهارم: ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، تهران، نشر میزان، آخرین چاپ.
- افراسیاب، محبوب، مالکیت صنعتی در نظام حقوقی ایران، تهران، انتشارات علم و دانش، آخرین چاپ.
- پیلوار، رحیم، بایسته‌های حقوق مالکیت فکری، تهران، شرکت سهامی انتشار، آخرین چاپ.
- داراب‌پور، مهرباب؛ السان، مصطفی و خشنودی، رضا، حقوق مالکیت صنعتی، به اهتمام محمد داراب‌پور، تهران، انتشارات گنج دانش، آخرین چاپ.
- میرحسینی، سیدحسن، مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، تهران، نشر میزان، آخرین چاپ.
- حکمت‌نیا، محمود، مبانی مالکیت فکری، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، آخرین چاپ.
- کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان، آخرین چاپ.
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد‌های اول تا پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار، آخرین چاپ.
- صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اشخاص و اموال، جلد اول، تهران، نشر میزان، آخرین چاپ.
- شمس، عبدالله، اجرای احکام مدنی، تهران، انتشارات دراک، آخرین چاپ.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، آخرین چاپ.
- رئیزی، محسن؛ صادقی‌مقدم، محمدحسن و حکمت‌نیا، محمود، «امکان‌سنجی انتقال حقوق مالکیت صنعتی در بستر قرارداد ائتلاف»، حقوق فناوری‌های نوین، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صص. ۲۲۵-۲۱۲.
- نظام‌الملکی، جعفر، «ارزیابی و امکان‌سنجی مطلوبیت مراجع قضایی استثنایی برای رسیدگی به دعاوی و شکایات حقوق مالکیت صنعتی با تأکید بر حقوق ایران»، فصلنامه حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۸، تابستان ۱۴۰۱، صص. ۳۶۸-۳۳۹.

ب) قوانین و مقررات ایران

- قانون تجارت مصوب ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۱، با اصلاحات و الحاقات بعدی، به‌ویژه مواد ۴۱۲ تا ۵۷۵.
- لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۲۴ اسفند ۱۳۴۷، با اصلاحات و الحاقات بعدی.

قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۲۴ تیر ۱۳۱۸، با اصلاحات و الحاقات بعدی.
آیین‌نامه قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸، با اصلاحات و الحاقات بعدی.
قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱ خرداد ۱۴۰۳، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۳۰۹۴، مورخ
۱۹ تیر ۱۴۰۳.
قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۷ آبان ۱۳۸۶، منسوخ به موجب ماده ۱۵۰ قانون
حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳.
آیین‌نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۷، در حدود مقرراتی که با
قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ مغایرت ندارد.
قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱ تیر ۱۳۱۰، منسوخ.
قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱ آبان ۱۳۵۶، با اصلاحات و الحاقات بعدی.
قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۲۳ خرداد ۱۳۹۴.
قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷، با اصلاحات و الحاقات بعدی، به‌ویژه مواد مربوط به اموال، حقوق مالی، انتقال حقوق و
قراردادها.
قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۶ اسفند ۱۳۱۰، با اصلاحات و الحاقات بعدی.
قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۰ بهمن ۱۳۹۵.
قانون جهش تولید دانش بنیان مصوب ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱.
آیین‌نامه اجرایی ماده ۵۶ قانون حمایت از مالکیت صنعتی و سایر آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی مربوط
به ثبت، انتقال، توثیق و بهره‌برداری از حقوق مالکیت صنعتی، پس از تصویب و لازم‌الاجرا شدن.

ج) اسناد و منابع بین‌المللی

Paris Convention for the Protection of Industrial Property, March 20, 1883, as revised at Stockholm on July 14, 1967 and amended on September 28, 1979.
World Trade Organization, Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS), Annex 1C to the Marrakesh Agreement Establishing the World Trade Organization, April 15, 1994.
United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL), Legislative Guide on Insolvency Law, Parts One and Two, United Nations, New York, 2005.
United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL), Legislative Guide on Insolvency Law, Part Three: Treatment of Enterprise Groups in Insolvency, United Nations, New York, 2012.

- United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL), Legislative Guide on Insolvency Law, Part Four: Directors' Obligations in the Period Approaching Insolvency, United Nations, Vienna, 2020.
- United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL), Legislative Guide on Secured Transactions: Supplement on Security Rights in Intellectual Property, United Nations, New York, 2011.
- United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL), Model Law on Cross-Border Insolvency with Guide to Enactment and Interpretation, United Nations, New York, 2014.
- World Intellectual Property Organization (WIPO), Intellectual Property Valuation General Principles, WIPO Publications, Geneva.
- World Intellectual Property Organization (WIPO), Intellectual Property for Business Series, WIPO Publications, Geneva.
- World Intellectual Property Organization (WIPO), WIPO Intellectual Property Handbook: Policy, Law and Use, 2nd ed., WIPO Publication No. 489, Geneva, 2004.
- World Bank, Principles for Effective Insolvency and Creditor/Debtor Regimes, World Bank Group, Washington, D.C., revised edition.

(د) منابع حقوق فرانسه

- Code de commerce, Livre VI: Des difficultés des entreprises, version consolidée, République française, Légifrance.
- Code de la propriété intellectuelle, notamment les dispositions relatives aux brevets d'invention, aux marques de produits ou de services et aux dessins et modèles, version consolidée, République française, Légifrance.
- Code civil français, version consolidée, République française, Légifrance.
- Le Corre, Pierre-Michel, Droit et pratique des procédures collectives, Paris, Dalloz Action, latest edition.
- Saint-Alary-Houin, Corinne, Droit des entreprises en difficulté, Paris, LGDJ, latest edition.
- Pérochon, Françoise, Entreprises en difficulté, Paris, LGDJ, latest edition.
- Ripert, Georges and Roblot, René, Traité de droit commercial, Tome 2, Paris, LGDJ, latest edition.
- Guyon, Yves, Droit des affaires: Entreprises en difficultés, redressement judiciaire et faillite, Paris, Economica, latest edition.
- Azéma, Jacques and Galloux, Jean-Christophe, Droit de la propriété industrielle, Paris, Dalloz, latest edition.

Passa, Jérôme, Droit de la propriété industrielle, Tome 1: Marques et autres signes distinctifs; Tome 2: Brevets d'invention et protections voisines, Paris, LGDJ, latest editions.

هـ) منابع حقوق آلمان

Insolvenzordnung (InsO) vom 5. Oktober 1994, insbesondere §§ 35, 36, 80 und 103, Bundesministerium der Justiz, Gesetze im Internet.

Patentgesetz (PatG), Bundesministerium der Justiz, Gesetze im Internet, consolidated version.

Gesetz über den Schutz von Marken und sonstigen Kennzeichen (Markengesetz—MarkenG), Bundesministerium der Justiz, Gesetze im Internet, consolidated version.

Gesetz über den rechtlichen Schutz von Design (Designgesetz—DesignG), Bundesministerium der Justiz, Gesetze im Internet, consolidated version.

Bürgerliches Gesetzbuch (BGB), Bundesministerium der Justiz, Gesetze im Internet, consolidated version.

Braun, Eberhard (ed.), Insolvenzordnung: Kommentar, Munich, C.H. Beck, latest edition.

Uhlenbruck, Wilhelm (ed.), Insolvenzordnung: Kommentar, Munich, Franz Vahlen, latest edition.

Müchener Kommentar zur Insolvenzordnung, Munich, C.H. Beck, latest edition.

Benkard, Georg, Patentgesetz: Gebrauchsmustergesetz, Munich, C.H. Beck, latest edition.

Ingerl, Reinhard and Rohnke, Christian, Markengesetz: Kommentar, Munich, C.H. Beck, latest edition.

و) منابع حقوق ایالات متحده آمریکا

United States Bankruptcy Code, 11 U.S.C. §§ 101–1532, particularly §§ 365, 541, 542, 363 and 554.

11 U.S.C. § 365(a), concerning the assumption or rejection of executory contracts.

11 U.S.C. § 365(g), concerning the legal effect of rejection as a breach of contract.

11 U.S.C. § 365(n), concerning the rights of intellectual-property licensees following rejection of a license agreement.

11 U.S.C. § 541, concerning property of the bankruptcy estate.

Baird, Douglas G., Elements of Bankruptcy, 6th ed., Foundation Press, 2014.

Westbrook, Jay Lawrence; Booth, Charles D.; Paulus, Christoph G. and Rajak, Harry, A Global View of Business Insolvency Systems, Leiden and Boston, Martinus Nijhoff Publishers, 2010.

Tabb, Charles Jordan, The Law of Bankruptcy, 5th ed., Foundation Press, 2020.

Warren, Elizabeth; Westbrook, Jay Lawrence; Porter, Katherine and Pottow, John A. E., The Law of Debtors and Creditors: Text, Cases, and Problems, 8th ed., Wolters Kluwer, 2020.

Countryman, Vern, "Executory Contracts in Bankruptcy: Part I," Minnesota Law Review, Vol. 57, 1973, pp. 439–479.

Countryman, Vern, "Executory Contracts in Bankruptcy: Part II," Minnesota Law Review, Vol. 58, 1974, pp. 479–566.

Menell, Peter S., "Bankruptcy Treatment of Intellectual Property Assets: An Economic Analysis," Berkeley Technology Law Journal, relevant volume and issue.

Westbrook, Jay Lawrence, "A Functional Analysis of Executory Contracts," Minnesota Law Review, Vol. 74, 1989, pp. 227–338.

Finch, Vanessa and Milman, David, Corporate Insolvency Law: Perspectives and Principles, 3rd ed., Cambridge University Press, 2017.

Goode, Roy, Principles of Corporate Insolvency Law, 5th ed., Sweet & Maxwell, 2018.

ز آرای قضایی ایالات متحده آمریکا

Lubrizol Enterprises, Inc. v. Richmond Metal Finishers, Inc., 756 F.2d 1043 (4th Cir. 1985), cert. denied, 475 U.S. 1057 (1986).

Mission Product Holdings, Inc. v. Tempnology, LLC, 587 U.S. 370 (2019).

Sunbeam Products, Inc. v. Chicago American Manufacturing, LLC, 686 F.3d 372 (7th Cir. 2012).

In re Exide Technologies, 607 F.3d 957 (3d Cir. 2010).

In re Tempnology, LLC, 879 F.3d 389 (1st Cir. 2018), reversed and remanded sub nom. Mission Product Holdings, Inc. v. Tempnology, LLC, 587 U.S. 370 (2019).

N.C.P. Marketing Group, Inc. v. BG Star Productions, Inc., 556 U.S. 1145 (2009).

In re Patient Education Media, Inc., 210 B.R. 237 (Bankr. S.D.N.Y. 1997).

In re HQ Global Holdings, Inc., 290 B.R. 507 (Bankr. D. Del. 2003).

ح) پایگاه‌های رسمی مورد استفاده

پایگاه ملی اطلاع‌رسانی قوانین و مقررات کشور، برای دسترسی به قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران.
روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، برای بررسی تاریخ انتشار و لازم‌الاجرا شدن قوانین.
مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، برای دسترسی به سوابق تقنینی و گزارش‌های کارشناسی.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و مرکز مالکیت معنوی، برای مقررات، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های ثبت حقوق
مالکیت صنعتی.

World Intellectual Property Organization, WIPO Lex Database.

United Nations Commission on International Trade Law, UNCITRAL Official Database.

World Trade Organization, WTO Legal Texts Database.

Légifrance, Le service public de la diffusion du droit français.

Bundesministerium der Justiz, Gesetze im Internet.

Supreme Court of the United States, Opinions and Case Documents.

United States Code, Office of the Law Revision Counsel.

Cite this article: Hajeibikhaniki, S Khorrami, H. (2026). Rereading the Legal Regime of Industrial Property Assets in the Bankruptcy Process of Commercial Companies; A Comparative Study in the Laws of Iran, France, Germany and the United States of America. *Journal of Vakil Daavi*, 2 (1), 1-26.

<https://doi.org/10.22034/vd.2026.2093998.1018>

Publisher: Khorasan Razavi Judiciary Lawyers Center.

استناد: حاجبی خانیکی، سجاد و هما خرمی. (۱۴۰۵). بازخوانی رژیم حقوقی دارایی‌های مالکیت صنعتی در فرآیند ورشکستگی شرکت‌های تجاری؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، آلمان و ایالات متحده آمریکا، فصلنامه وکیل حقوق دعاوی. ۲ (۱)، ۱-۲۶.

<https://doi.org/10.22034/vd.2026.2093998.1018>

ناشر: مرکز وکلا قوه قضاییه خراسان رضوی.